



فصل هفتم

تکه‌فروشی جای خصوصی سازی

تصور کنید یک ارکستر سمفونیک بزرگ را به زور قطعه‌قطعه کنید:

ویولن را بدهید به یک نفر، ویولن سل را به دیگری، فلوت را به سوم، درامز را به چهارمی و رهبر ارکستر را هم اخراج کنید. بعد به همه بگویید «حالا بنوازید، باید بهترین سمفونی دنیا را اجرا کنید!» دقیقاً همین اتفاق برای صنعت پتروشیمی ایران افتاد.

زنجیره‌های یکپارچه و زیبا را شکستند: اتیلن رفت یک جا، پلی اتیلن رفت جای دیگر؛

متانول، الفین و پروپیلن را جدا کردند: هیچ کس کل یک زنجیره را نگرفت تا بتواند برای ۲۰ سال بعد برنامه بنویسد، سرمایه بگذارد، ریسک کند و سود واقعی ببرد. نتیجه؟

امروز بزرگ‌ترین صنعت کشور، پراکنده‌ترین صنعت کشور هم هست. هیچ کس مالک واقعی یک زنجیره کامل نیست.

هیچ کس انگیزه ندارد، ۱۰ میلیارد دلار در پایین دست بگذارد؛ وقتی خوراکش دست دیگری است و محصول نهایی اش دست سو می.

هیچ کس آینده‌پژوهی نمی‌کند، چون آینده‌اش به تصمیم دیگران گره خورده. خصوصی سازی واقعی یعنی واگذاری کل زنجیره به مالک واقعی؛ اما اینجا فقط تکه‌فروشی کردند و اسمش را گذاشتند «خصوصی سازی».

تا وقتی این تکه‌پارگی ادامه دارد، صنعت نه جهش می‌کند، نه چهارم جهان می‌شود؛ فقط هر روز بیشتر از دیروز می‌لنگد.

تکه‌تکه کردند، بعد گفتند «بدو!» این بزرگ‌ترین شوخی تاریخ صنعت ایران است. ▶

